

خود باوری و استعداد

ناصرالدین کاظمی حقیقی

«در مقاله «خودباوری و هوش» (شماره ۳ سال ششم) نقش جنسیت، تحوّل سنی، برنامه آموزشی، نوع خودباوری، و ابزارها در رابطه میان هوش و خودباوری مورد کاوش واقع شد. در این بخش به اختصار به بررسی نقش استعدادها، سطح هوش و فرهنگ در تعدیل همبستگی میان هوش و خودباوری می پردازیم.

نقش استعداد

بر اساس پژوهشهای موجود، عامل استعداد (هوش ویژه) یکی از منابع تعدیلی در رابطه میان «خودباوری و هوش» بشمار می آید. نتایج همبستگی در زمینه های استعدادها گوناگون متفاوت است. در برخی از استعدادها، رابطه یاد شده، استحکام و استواری بیشتری نشان می دهد و در برخی دیگر از استعدادها، نوعی استقلال و ابهام به چشم می خورد. اگر بررسیهای کنونی را مبنا قرار دهیم. مطالعه این رابطه را از حیث استعداد می توانیم در سه زمینه کلی «پیشرفت تحصیلی» «خلاصیت» و «رهبری» تحلیل کنیم.

خودباوری و پیشرفت

رابطه میان «تیزهوشی» و «خودباوری» یک رابطه و پیوند مطلق نیست؛ بلکه بستگی به

عوامل متعددی از جمله «پیشرفت تحصیلی» دارد.

«برخی شواهد تحقیقی حاکی از آن است که کودکان تیزهوش کم‌آموز، خودباوری تحصیلی ضعیفتری نشان می‌دهند»^۶

«خود باوری عمومی، اجتماعی و تحصیلی هفتصد و هفتاد و دو نوجوان عادی و نود و سه نوجوان تیزهوش (دوازده تا پانزده ساله) هلندی مورد بررسی قرار گرفت. چهارگروه از دانش‌آموزان به این ترتیب، تفکیک شدند؛ ۱ - بیست و دو تیزهوش با نمرات خلاقیت بالاتر از متوسط، ۲ - چهل و پنج تیزهوش با نمرات خلاقیت پایین‌تر از متوسط ۳ - بیست و شش تیزهوش کم‌آموز ۴ - یک گروه مقایسه‌ای از دانش‌آموزان عادی. نتایج بررسی آشکار ساخت که تیزهوشان کم‌آموز، خود باوری تحصیلی پایین، اضطراب بالا از آزمون، موضع برونی نظارت، ارزشیابی پایین از وضعیت آموزشی خود، و انگیزه تحصیلی نازلتری را بروز دادند.»

«میان تواناییهای تحصیلی و خودباوری رابطه معنی داری وجود دارد. چهل و هشت کودک در چهارگروه ناتوان ذهنی، ناتوان یادگیری، پیشرفته و تیزهوش، تفاوتی را در خود باوری نشان دادند. پیشرفته‌ها و تیزهوشان، پاسخهای عالیتر و مثبت‌تری در مورد نگرش شخصی از توانایی تحصیلی و پیشرفت آموزشی ارائه نمودند»^۷

«بررسی عزت نفس و خودباوری دویست و شانزده دانش‌آموز در پایه‌های تحصیلی هفتم و هشتم که در ریاضیات برجستگی عالی و متوسطی داشتند، نشان داد که سطح توانایی ریاضی، تأثیر مستقیمی بر روی توصیفات فردی از خودباوری دارد»^۹

پس دانش‌آموزان تیزهوش تحصیلی از خودباوری تحصیلی برجسته‌تری برخوردارند. به نظر می‌رسد که برخی از ابزارهای توانایی سنج نسبت به سایر آزمونها، همسویی و هماهنگی بیشتری با خودباوری دانش‌آموزان پیشرفته تحصیلی دارند: «دانش‌آموزان پیشرفته تحصیلی سیزده تا شانزده ساله، ابزار SAT را بیش از ACT در سنجش توانمندی واقعی خود، شایسته و درست می‌دانستند.»^{۱۰}

از محتوای بررسیهای فوق برمی‌آید که خودباوری تحصیلی در ارتباط با سطح

پیشرفت تحصیلی است و ضعف تحصیلی نیز به نوبه خود منجر به کاهش بیشتر خودباوری تحصیلی می‌شود. علاوه بر آن، استفاده می‌شود که خودباوری تحصیلی نازل، موضع نظارت را برونی می‌کند و فرد به قضاوت‌های محیطی و ارزشیابی‌های بیرونی، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌دهد. از این رو، آزمون‌های رسمی، نگران‌کننده و هراس‌انگیز می‌شوند. اگر نوجوان تیزهوش تصور کند که یک آزمون نمی‌تواند به درستی توانایی واقعی‌اش را بسنجد، ممکن است که به نگرانی‌اش افزوده شود.

خودباوری و خلاقیت

تاکنون رابطه «خودباوری» با «خلاقیت» نتایج مبهمی در برداشته‌است. از یک سو برداشت شخصی از میزان خلاقیت با خودباوری ریاضی، همبستگی نشان می‌دهد؛ اما از سوی دیگر رابطه عزت نفس با خلاقیت، گنگ و تردیدبرانگیز است:

مطالعه گروهی از نوجوانان تیزهوش آشکار کرد که آنها علاقه و توانایی خود در ریاضی را به اندازه خلاقیتشان نمره می‌دهند.^۱

«چهل و نه فرد خلاق بسیار برجسته براساس آزمون‌های «تورنس» برای تفکر خلاقانه، شناسایی شدند. در مطالعه بعدی از آنها خواسته شد تا به سنجش ویژگیها و آرمانهایشان بپردازند. یافته‌ها نشان داد که آنها خود را تحریک پذیر، تغییر طلب، ناهماهنگ با سنتها (نوگرا) می‌دانستند و به این خصایص بیش از فرمانبرداری، سعی و کوشش مبادی آداب بودن و تشریک مساعی، اهمیت می‌دادند.»^{۱۱}

«بررسی رابطه خودباوری و خلاقیت بر مبنای فهرست عزت نفس «کوپر اسمیت» و مجموعه «تورنس» نشان داد که رابطه عزت نفس با خلاقیت (کلاسی و غیر کلاسی) ناستوار و شک برانگیز است. این مطالعه، هیچ زمینه محکمی بدست نداد که حاکی از وجود برتری عزت نفس افراد اخلاق بر غیر خلاق باشد.»^{۱۲}

خودباوری افراد خلاق تا جایی که مربوط به عزت نفس است، امکان دارد گاهی تنزل کند و این کاهش ناشی از ضعف در عزت نفس است. در چنین شرایطی نوعی تعارض میان ویژگیهای ذاتی خلاقیت با مؤلفه‌ها و عناصر عزت نفس پدید می‌آید؛ یعنی اگر عزت نفس یک فرد خلاق، کاهش می‌یابد، ناشی از خصایص ذاتی خلاقیت است. از

این رو نتایج پژوهشی یاد شده، وجود تشابه عزت نفس را در میان افراد خلاق و غیر خلاق نشان می‌دهد.

می‌دانیم که خودباوری ریاضی با شیءگرایی محض و نظام ارزشی نظری در زندگی، ملازمت دارد. از طرفی براساس یکی از پژوهشهای فوق، خودباوری خلاقانه به اندازه خودباوری ریاضی است. در نتیجه ویژگیهایی نظیر شیءگرایی و ارزشگذاری نظری می‌تواند از خصایص افراد خلاق باشد.

این نکته را نیز می‌دانیم که «پیوند جویی» یا احساس پذیرش و مقبولیت اجتماعی و نیز حمایت محیطی که منجر به امنیت خاطر در فرد می‌شود، از عناصر اساسی در تکوین عزت نفس به‌شمار می‌آیند. اگر وجود خصایصی مانند شیءگرایی، ارزشگذاری نظری، تحریک پذیری آنی، تغییر طلبی و رویارویی با سنت‌گرایی را در میان افراد خلاق بپذیریم، به نظر می‌رسد که ویژگیهای یاد شده با پیوند جویی و حمایت محیطی امنیت بخش، معارضت دارند؛ همان‌طور که خصوصیات هم‌چون فرمانبرداری، سعی و کوشش، مبادی آداب بودن، تشریک مساعی گروهی، موجب تقویت پیوند جویی و جلب حمایت محیطی می‌شوند و در نتیجه عزت نفس فرد را رشد می‌دهند. از این رو، شگفت‌آور نخواهد بود که افراد خلاق در برخی شرایط دچار ضعف در عزت نفس شوند و این ضعف همراه با خودباوری نازل باشد.

خود باوری و رهبری

کاوشهای اندکی در باره رابطه میان «خودباوری» کلی و توانایی «رهبری» انجام شده است. برخی از مطالعات انجام یافته که دلالت بر برتری خود باوری افراد رهبر بر غیر رهبر می‌کند، احتمالاً مربوط به خودباوری اجتماعی است:

«بیست و هشت دانش‌آموز پایه‌های چهارم و پنجم که در ربع (چارک) بالا در توانایی رهبری قرار داشتند و از طریق خودشان معرفی شده بودند به همراه دو گروه دیگر مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفتند: هشتاد و سه دانش‌آموز رهبر با معرفی همسالان خود و پنج دانش‌آموز رهبر با معرفی معلمان. توانایی رهبری هر سه گروه از لحاظ سه بُعد توانایی فوق العاده، خلاقیت و مسئولیت پذیری سنجیده شد. یافته‌ها

نشان داد که در میان این سه گروه که از سه منبع اطلاعاتی مختلف (خود، همسال، و معلم) معرفی شده بودند، بهترین شیوه تشخیص برای تیزهوشی رهبری، «خود معرفی» است.^۵

سطح هوش

نتایج برخی از مطالعات و بررسیهای برنامه سنجی نشان می دهد که رابطه خود باوری و هوش بستگی به سطح هوشی دانش آموزان دارد:

«در یکی از پژوهشها، تأثیر تفکیک و جداسازی آموزشی بر روی خودباوری دانش آموزان تیزهوش پایه چهارم تحصیلی، بررسی شد. نمرات یکصد و دو دانش آموز تیز هوش شرکت کننده در مطالعه، بر مبنای مقیاس «پیرز- هاریس» در بدو برنامه ارزشیابی شد. نود و دو دانش آموز تیز هوش دیگر، در طی برنامه آزمون شدند. همه دانش آموزان تیز هوش دارای خودباوری نیرومندی بودند.

برخی از آنها از خود باوری عالیتری پیش از آغاز برنامه بهره مند بودند. پژوهشگران برای تبیین این نتیجه، تفکیک هوشی دانش آموزان پرداختند. پایینترین نمرات خود باوری متعلق به افرادی بود که در طی برنامه، هوشبهر پایینی داشتند. به عبارت دیگر، انتقال دانش آموزان تیز هوش دارای هوشبهر کمتر به برنامه های آموزشی تفکیکی، وضعیت عاطفی غم انگیزی را در خود باوری آنها ایجاد می کند. این مطالعه، تأثیر مهم محیطهای اجتماعی و آموزشی کودکان را بر روی خودباوری آنها تأیید می کند.»^۳

مطالعه فوق، علاوه بر آن که به نقش محیط آموزشی بر روی خودباوری تیز هوشان توجه می دهد، دلالت بر نقش تعدیلی تراز هوشی در همبستگی میان خود باوری و هوش نیز دارد. به نظر می رسد که با افزایش هوشبهر، این رابطه تقویت می شود؛ یعنی تأثیر پذیری کمتری از فضای آموزشی خواهد داشت.

نقش فرهنگ

رابطه خودباوری و هوش تحت تأثیر ویژگیهای محیطی و از جمله فرهنگ قرار می گیرد. مقایسه این رابطه در دو جامعه متفاوت، نتایج گوناگونی داشته است: «تفاوت موضعگیری تیزهوش در مقایسه با فرد عادی در مورد صلاحیت شخصی در میان دانش آموزان پایه های چهارم تا ششم تحصیلی در ایالات متحده، نشان داده

شد. گروه تیز هوش به طور معنی داری در ارزشیابی شخصی از صلاحیت، احساسات مربوط به مهارت فردی و نیز ترجیح تصمیمگیری مستقل عالیتر بود»^۷
«بررسی یک نمونه در ایالات متحده نشان داد که میان تواناییهای تحصیلی و خودباوری کودکان نه تا دوازده ساله رابطه معنی داری وجود دارد.»^۴
«نتایج یک بررسی در ایالات متحده آشکار کرد که خودباوری تحصیلی دانش آموزان عادی و تیز هوش پایه‌های چهارم تا هفتم بالاتر از همسالان ناتوان در یادگیری است.»^۲
«مطالعه خودباوری یک نمونه از تیزهوشان در کره جنوبی نشان داد که دیدگاه آنها نسبت به تواناییها و ضعفهای شخصی از لحاظ یادگیری، شغل، استعداد و خصایص روانی، تفاوتی با همسالان عادی ندارد؛ گرچه دیدگاه مثبت آنها نسبت به آینده بیش از گروه مقایسه‌ای بود. دانش آموزان مورد مطالعه در پایه‌های چهارم تا ششم اشتغال به تحصیل داشتند.»^۸

با توجه به محتویات پژوهشهای فوق به نظر می‌رسد که در برخی جوامع و موقعیتهای فرهنگی و اجتماعی، خودباوری دانش آموزان تیزهوش، تفاوتی را با همسالان متوسط از لحاظ هوشی نشان نمی‌دهد. «پیش از این، تأثیر پذیری موضع نظارت تیز هوش از ویژگیهای محیطی آشکار شده است. ارزشهای اجتماعی خاصی که توجه به عوامل برونی و اهمیت بخشیدن به آنها در تکوین امور و حوادث مربوط به زندگی در میان افراد تیز هوش قداست می‌یابد و جذب می‌شود.»^۱ نظیر همین تأثیر پذیری را می‌توان به حیطه خودباوری تعمیم داد. تشابه خودباوری همراه با موضع برونی نظارت است زیرا تأثیر پذیری محیطی، عامل هوش و ویژگیهای ملازم با آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

با این بیان، ظاهراً شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جوامعی مانند ایالات متحده از رابطه بین خودباوری و هوش حمایت می‌کند؛ حال آنکه در برخی جوامع مانند کره جنوبی، دو پدیده مورد مطالعه (هوش و خودباوری) مستقل از یکدیگرند. احتمالاً در نظام ارزشی این کشور، تشابه گرایی و جامعه پذیری مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که فردیتهای متمایز، رنگ می‌بازند (مانند قطره‌ای در بستر دریا) یعنی جو محیطی رابطه میان هوش و خودباوری را تعدیل می‌کند.

جمع بندی

بررسی اجمالی نقش کلیه عوامل تعدیلی ذکر شده را می توان در هشت یافته اساسی جمع بندی نمود:

- ۱ - قرائن موجود حاکی از برتری محرز جنس مذکر در خود باوری است.
 - ۲ - خود باوری افراد تیزهوش همراه با افزایش سن (طی مقاطع پیش دبستانی تا پانزده سالگی) سیر صعودی دارد.
 - ۳ - برنامه های آموزشی ویژه ای که حاوی امکانات و تسهیلات آموزشی غنی، محتویات و مواد نیرومند فضای همسالی حمایت کننده و گرم، خودباوری افراد تیزهوش را افزایش می دهد.
 - ۴ - خودباوری تحصیلی تیزهوشان برتری محرز دارد.
 - ۵ - مقیاس «پیرز-هاریس» در میان ابزارهای موجود، خودباوری برتر تیزهوشان را بهتر نشان می دهد.
 - ۶ - خود باوری تحصیلی در میان تیزهوش تحصیلی، بیشتر است.
 - ۷ - با افزایش هوش در جامعه تیزهوشان و نزدیک شدن به حوزه نبوغ، رابطه خودباوری با هوش افزایش می یابد.
 - ۸ - در نظام های ارزشی فردیت گرا و جوامعی که به استقلال شخصی اهمیت برجسته ای می دهند، این رابطه نیز بیشتر می شود.
- با توجه به نکات هشتگانه فوق، می توان استنباط کرد که عالترین خود باوری تحصیلی را بر مبنای مقیاس «پیرز- هاریس» پسران نوجوانی نشان می دهند که دارای نبوغ تحصیلی هستند و از حمایت غنی و نیرومند فرد گرایانه برخوردارند.
- به نظر می رسد که هر گونه بررسی و پژوهش در قلمرو خودباوری و بویژه در جامعه نخبگان باید عوامل هشتگانه تعدیلی را مبنای تحلیل و تبیین یافته ها قرار دهد و نیز در ترسیم خطوط آتی مطالعات به استنباط کلی یاد شده توجهی تام مبذول گردد.

منابع :

- ۱ - کاظمی حقیقی، ناصرالدین روان شناسی کودکان تیزهوش و روشهای آموزش ویژه، سایه‌نما، تهران، ۱۳۷۶.
- 2- **Chovan Morrison (1984)** *Correlates of self- concept among variant children. Psychological Reports, 54(2),536-538.*
- 3- **Colman & Fults (1985)** *Special - class - placement, level of intelligence and the self - concepts of gifted children , Remedical and Special Education , 6(1),7-12.*
- 4- **Davis & Connel (1985)** *The effect of aptitude and achievement status of the self-system , Gifted Child Quarterly , 29(3) , 131-136.*
- 5- **Friedman & et al (1984)** *Identifying the leadership gifted: self , per , or teacher ominations? Roeper , Review , 7(2) , 91-94.*
- 6- **Horowitz & O,Brien (1985)** *The gifted and talented, developmental perspectives (APA) 160- 163.*
- 7- **Kittano & Kirby (1986)** *Gifted education , Little , Brown 61 - 63.*
- 8- **Moon & Chung (1992)** *Korean gifted and non - gifted children,s attitudes towards family, teacher, friend and self as assessed by sentence Completion tests, Talent for the future,Van Gorcum & Co, 213- 221.*
- 9- **Solano , C. (1983)** *Self- concept in mathematicaly gifted odolescents , Journal of Psychology, 108(1),33-42.*
- 10- **Van Boxtel & Moenks(1992)** *General , social , and academic self - concepts of gifted adolescents. Journal of Youth & Adorlescence , 21(2), 169 - 186.*
- 11- **Williams & et al (1979)** *Actual and ideal self - perceptions of creative student,s. Perceptual and Motor Skills , 48 , 995 - 1001.*
- 12- **Williams & et al (1977)** *The creativity / self - concept relationship reviewed , Australian Psychologist 12(3), 313 - 317.*